

مقایسه چند نام عربی و نام‌های پارسی:

معنی چند نام عربی:

ابوبکر: پدر شتر جوان

ابوتراب: پدر خاک

آسیه: زن اندوهگین و ناراحت

آمنه: توده هیزم شکسته، در امان

ابوجهل: پدر نادانی

ابوعباس: پدر عبوس و ترش‌رو

اصغر: کوچک‌تر

افطح: آفتاب پرست، مرد پهن‌سر

ام کلثوم: دختر بچه چاق

ام لیلی: مادر شب، نوعی شراب سیاه

اویس: بچه‌گرگ

باقر: گاو نر و چاق

بتول: زنی که هوس هم‌خوابی با مرد را دارد.

جابر: زورگو، ستمگر و اجبارکننده

جبار: ستمگر و مسلط

جعفر: ماده شتر پرشیر، جوی پر آب

حاجر: فرارکننده

حانیه: بیوه زنی که به خاطر فرزندان ازدواج نکند، شراب

حفصه: زن سیاه و زشت، هسته خرما

حنانه: بسیار ناله کننده، نوحه و زاری کننده

خدایچه: شتر ماده‌ای که پیش از موعد زاییده شد، سقط جنین شتر

خزعل: کفتار، کسی که در راه رفتن می‌لنگد.

ذبیح: چهارپای ذبح شده و سربریده

راحله: رحلت کننده، حیوان بارکش

راحیل: گوسفند ماده، رونده، کوچ کننده

راسم: شتر تندرو، آب روان

ربابه: ابر سفید

رجب: ترسیدن، بزرگداشتن

رقیه: جادوگر. نیرنگ باز، افسون‌گر

رمضان: شدت گرما

سلمان: سنگ بزرگ

سلیل: کوهان شتر، مغز حرام، شراب خالص

سکینه: زن مسکین و بیچاره

سمانه: زن چاق و فربه، بلدرچین

سمیه: سم و زهر

سمینه: زن فربه و چاق

سینا: سوراخ کننده، نام کوهی است

شعبان: شعبه شعبه شده

صدام: بسیار صدمه زننده

صفدر: درنده صفت

صفورا: گنجشک ماده

صفیه: درخت ماده پر بار

عاصف: خمیده مایل

عثمان: بچه مار

عذرا: سوراخ نشده، باکره

غایر: فروشونده

غلام: پسر بچه ی اسیر که با او هم بستری می شود.

فائضه: زن فیض دهنده

فاطم: بچه شتر نر که از شیر گرفته شده

قاسم: قسمت کننده غنایم

قاسی: سخت دل

قلی: غلام بنده

مأئده: خوردنی، سفره

محرم: حرام گردانیده

میثم: سم شتر

میمونه: زن میمون، بوزینه

هاجر: جدایی کننده

هاشم: شکننده

هانیه: زن خدمتکار، گاو وحشی

یاسر: قسمت کننده گوشت شتر

معنای چند نام پارسی:

آرشام: بسیار قوی

آرمان: آرزو و امید

آرمین: آرام گرفتن

آرمیتا: آرامش یافته

آریافر: دارنده‌ی شکوه آریایی

آرین: سفید پوست

بهنوش: کسی که نیک می‌نوشد.

پریوش: فرشته رو

خسرو: مشهور و نیک نام

شادمهر: مهربان

ماهان: منسوب به ماه

ملحدین ایرانی به هر خس و خاشاکی دست آویخته و به هر طریق ممکن می‌خواهند بر اسلام عزیز تاخت و تاز نمایند؛ آن‌ها در این شبهه بر زبان عربی تاخته و تعدادی اسامی را ذکر کرده‌اند که دارای معنای مثبتی نبوده و بدین وسیله زبان عربی و عرب‌ها را زیر سؤال می‌برند تا از این رهگذر بتوانند بر اسلام انتقاداتی وارد سازند و روحیه‌ی نژادپرستی و ناسیونالیستی را در فارسی‌زبانان تقویت نموده و آن‌ها را از عرب‌ها که مصدر اسلام بوده‌اند متنفر سازند. اما این شبهه‌ی ایشان به دلایل زیر پوچ می‌باشد:

(الف)

اگر در زبان عربی چنین نام‌هایی با معناهای پست وجود دارد، چه بسا قبل از اسلام گذاشته شده بود و اسلام با چنین نام‌هایی مخالفت نکرد مگر زمانی که آن نام‌ها اثرات منفی دینی یا عقیدتی داشته باشد؛ به طور مثال: نام (حزن) که به

معنی مسیر دشوار بود را به (سهل)؛ یعنی: مسیر آسان تبدیل نمودند. زیرا اثرات روحی منفی بالای شخص داشت. هم‌چنین پیامبر نام عبدالعزی که شرکی بود را تبدیل به عبدالرحمن نمودند. هم‌چنین ایشان نام (الغاوی) که به معنی گمراه کننده است را به (راشد) یعنی هدایت کننده تغییر دادند.

۳

(ب)

در زبان عربی نام‌هایی با معنای بسیار عالی نیز وجود دارد؛ چرا از آن‌ها نام نمی‌برید؟ به طور مثال: نام زیبای (محمد) به معنی ستوده شده، (حامد): ستایشگر، (محمود) ستایش شده، (احسان): خوبی، (أسوه): الگو و نمونه، (محسن): خوبی کننده، (علی): بلندمرتبه و... متأسفانه عده‌ای مگس گونه عمل می‌کنند؛ فقط کوتاهی‌ها را می‌بینند و از خوبی‌ها محروم هستند؛ همانند مگس که فقط بر پلیدی می‌نشیند.

(ج)

در این متنی که داده، بسیاری از نام‌های عربی غلط ترجمه شده و مرتکب اشتباهات گوناگونی شده بود؛ که به طور مثال در نام‌های زیر دچار اشتباهاتی شده که صحیح هر یک را در ادامه ذکر می‌کنیم:

ابوبکر: عرب به رئیس و کلان یک قبیله ی بزرگ نیز (بکر) می‌گویند. یعنی او هم‌نشین قبیله ی بزرگ است. اعتراض کننده گفته: پدر شتر جوان

ابوتراب؛ (ابو) همواره به معنی پدر نمی‌باشد، بلکه گاهی به معنی هم‌نشین نیز می‌باشد؛ پیامبر حضرت علی را ابوتراب صدا کرد؛ زیرا او خاک آلود شده بود. از همین رو به حضرت عبدالرحمن بن صخر (ابوهریره) گفت؛ زیرا او با گربه‌ای سر و کار زیادی داشت.

آسیه: نامی عربی نیست بلکه نام همسر فرعون می‌باشد، که آن‌ها قبطی بودند و زبان‌شان سریانی بود. اعتراض کننده نام وی را عربی تصور کرده است.

۱. الإصابة(۲/۵۴) + الطبقات الكبرى(۵/۸۹)

۲. المغازی واقدی(۱/۱۴۳)

۳. الإصابة(۲/۳۶۱)

۴. ابو بکر الصدیق ، علی الطنطاوی ص (۴۶)

۵. (خ) ۵۹۲۴ ، (م) ۳۸ - (۲۴۰۹)

آمنه: از مصدر (آمن) گرفته شده؛ به معنی پر از امن؛ چنان که در قرآن کریم آمده است: وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ
ءَامِنَةً مُطْمَئِنَّةً... (النحل ۱۱۲) خداوند مثلی زده است منطقه آبادی که امن و آرام و مطمئن بود. اعتراض کننده آن
را به توده‌ی هیزم شکسته ترجمه کرده است.

ابوجهل: این نام نیست بلکه نام اصلی وی عمرو بن هشام است و کنیه‌اش ابوالحکم؛ به معنی پدر علم و حکمت
است؛ اما از آن جایی که رفتارش در برابر مسلمانان همواره از روی جهالت بوده است؛ به همین سبب او را ابوجهل
خواندند.

کلثوم: رخساری ترش‌رویی در حالی که اعتراض کننده او را صورت چاق ترجمه کرده است.

باقر: لقب شخص تحقیق کننده‌ای که باریکی های علمی را می‌شکافت. به همین خاطر به حضرت محمد بن علی بن
حسین می‌گفتند: باقر العلوم... این در حالی است که اعتراض کننده آن را گاو نر چاق ترجمه کرده است.

بتول: کسی که پاکدامن باشد و از ازدواج دوری اختیار کند و به عبادت الهی پردازد (بتول) گفته می‌شود؛ خواه مرد
باشد یا زن؛ به همین سبب به حضرت فاطمه و حضرت مریم، لقب (بتول) داده می‌شود... این در حالی است که
اعتراض کننده آن را به زنی که هوس هم‌خوابی با مرد را دارد، معرفی کرده است.

جابر: کسی که پیوند برقرار کند به عبارتی دیگر، چیزی را جبران نماید. اعتراض کننده آن را ستمگر ترجمه کرده است.

جبار: شخصی که قد بلند باشد و قوی و بزرگ. اعتراض کننده این را نیز ستمگر و مسلط ترجمه کرده است!

حاجر: آن‌ها از روی بی‌سوادی حاجر نوشته‌اند؛ در حالی که (هاجر) است؛ به معنی ترک کننده

میمونه: هرگز به معنی بوزینه ماده نیست بلکه از ماده‌ی (یمن) گرفته شده به معنی مبارک شده و پر میمنت

قلی: این نام هرگز عربی نیست بلکه ترکی و ترکمنی است.

غلام: در عربی کسی به چنین نامی مشهور نشده و ترجمه‌ای که از این نام کرده کاملاً اشتباه است. او غلام را به پسر بچه‌ی
اسیر که با او هم‌بستری صورت می‌گیرد، ترجمه کرده است.

۶. فرهنگ معین ۲۵۶۲۸

۷. المحيط في اللغة (۴۱۳/۵) الطالقاني، ناشر: عالم الكتب - بيروت / لبنان - ۱۴۱۴هـ - ۱۹۹۴م چاپ: اول

۸. معجم اللغة العربية المعاصرة (۱/۱۵۸) مادة: ب ت ل، مؤلف: د أحمد مختار عبد الحميد عمر ناشر: عالم الكتب، چاپ: اول ۱۴۲۹هـ - ۲۰۰۸

۹. المصباح المنير (۸۹)، الفيومي، ناشر: المكتبة العلمية - بيروت

۱. تاج العروس من جواهر القاموس (۳۵۴/۱۰)، الزبيدي، ناشر دار الهداية

سلمان: نام ایرانی است و او ترجمه به سنگ بزرگ کرده است.

سکینه: به معنی آرامش است، او ترجمه به زن مسکین و بیچاره کرده است.

و بقیه‌ی نام‌ها و ترجمه‌هایی که ذکر کرده دارای اشتباهات متعددی می‌باشد.

(د)

در نام‌های فارسی نیز معانی بسیار پستی وجود دارد که بر اساس فرهنگ‌های فارسی می‌توان به گوشه‌ی بسیار اندکی از آن اشاره کرد:

(آتریسا): آتش گونه، (آرشام): خرس نیرو؛ قوی همانند خرس، (آزیتا): سوزن کاری کردن، (افروزه): شعله آتش، (افسانه): داستان خیالی (افسون): نیرنگ و حيله، (افشان): پریشان و آشفته، (دامون): دشت و بیابان (زال): پیرمرد و سفیدموی، (ژیان): خشمناک و عصبانی (سام): سیاه، (سمندر): اسب تندرو مایل به زردی (سیاوش): دارنده‌ی اسب نر سیاه، (شرمین): خجالت زده، (کمند): دام؛ آن چه که وسیله‌ی گرفتاری کسی شود، (گرشاسب): دارنده‌ی اسب لاغر (موژان): زن مست و خمار (افراسیاب): شخص هراسناک (زرتشت): دارنده‌ی شتر زرد

هم‌چنین در زبان انگلیسی اسامی وجود دارد که معنی مناسبی ندارد؛ آیا باید دلیلی باشد بر زیر سؤال بردن زبان انگلیسی و سپس در پی آن تاختن به دین مسیحیت؟...؟ به طور مثال: در زبان انگلیسی اسامی زیر به کار رفته است:

Drake مرغابی نر؛ این نام یکی از هنرمندان مشهور است.

Colt جوجه اسب؛ نام پسرانه

Wolf گرگ؛ در جرمنی در بین خانواده‌های یهودی به طور گسترده استفاده می‌شود.

Raoul مشوره گرگ؛ نامی جذاب برای فرانسوی‌ها می‌باشد.

Ralph مشوره گرگ؛ نام قدیمی که قدامت هزار ساله دارد و در بین سال‌های ۱۸۷۰-۱۹۲۰ در میان سی نام مشهور بود.

Madigon جوجه سگ؛ نام پسرانه‌ی ایرلندی می‌باشد.

Anemone دختر باد

هرگز این معانی نباید سبب شود که کسی بر زبان فارسی یا انگلیسی تاخت و تاز نماید... این از کوته‌فکری ملحدین ایرانی است که با طرح چنین شبهات پوشالی گمان می‌کنند که می‌توانند بر اسلام عزیز پیروز شوند؛ غافل از آن که اسلام همانند ماه شب چهارده درخشان است و از وق و سگان به آن هیچ ضرری نمی‌رسد.

محقق: عتیق الله افندی

مرکز هدایت؛ رد اسلام ستیزان

۱۳۹۹/۱۱/۲۴